

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه سی و یکم 1396/09/26

لزوم پاسخگویی روشمند به شبهات (30) – آشنایی با فرق اهل سنت – بحثی درباره مسح رجليں در وضو

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله

در مبحث سوم چهار مطلب را پی‌گیری می‌کنیم دیگر بعد از این چهار مطلب ان شاء الله به اصل شبهات می‌پردازیم در مطلب اول، آشنایی با فرقه‌های اعتقادی است.

«التعرف على الفرق العقديه والمذاهب الفقهية عند اهل السنه»

هدف این هم اولاً آشنا شدن پاسخگو به شبهات و آماده شدن برای مناظره با اهم فرقه‌های اعتقادی است که از برخی فرقه‌ها را در جلسه قبل توضیح دادیم مثل اشاعره و معتزله و ماتریدیه و سلفیه و فرق بین این‌ها چیست؟ و فرق بین فرقه و مذهب چیست؟ و یک نگاه عمومی به اهم مذاهب فقهی اهل سنت و روش‌هایی که این‌ها در مباحث فقهی دارند.

و این‌که در حوزه پاسخگویی به شبهات فقهی ما باید چه کار بکنیم؟ چون شبهات فقط منحصر به مسائل اعتقادی نیست. تقریباً بخشی از شبهات مان در حوزه مباحث فقهی است مثل وضو، نماز، خمس و زکات و امثال این موارد؛ خلاصه این‌که در غالب مسائل فقهی ما با آن‌ها اختلاف داریم.

خدا علامه حلی و قبل از او شیخ طوسی را رحمت کند شما اگر کتاب خلاف شیخ طوسی را ببینید در این چهار جلد کل مباحث اختلافی فقهی شیعه و سنی را ایشان مفصل مطرح کرده است.

البته قبل از شیخ طوسی، سید مرتضی رضوان الله تعالی علیه در کتاب الانتصار مباحث را اجمالی مطرح کرد شیخ طوسی نظریه استادش را در خلاف تکمیل کرد بعد علامه حلی در قرن 8 در کتاب تذکرة الفقهاء خیلی مبسوط وارد شد و من ندیدم قبل از علامه و بعد از ایشان کسی در مباحث فقهی خلافتی بین شیعه و سنی این چنین ورود پیدا کرده باشد.

در هر صورت الان هم یکی از معضلاتی که ما با اهل سنت داریم این است که آنها نماز ما را باطل دانسته و پشت سر ما نماز نمی خوانند. با این که از عصر ائمه علیهم السلام بر نماز خواندن در مساجد اهل سنت توصیه شده است مانند

«صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ ، وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ»

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين _متوفای 381ق_، من لا يحضره الفقيه، ج1، ص 383، تحقیق: علي ابر الغفاري، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

یا

«مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ»

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ج3، ص380، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، 1407 ق.

ولی اهل سنت از همان دیر زمان دنبال بهانه بودند که ما پشت سر شیعه نماز نمی خوانیم چرا؟ چون وضوی شان باطل است دقت کنید چون وضوی شیعه باطل است و به جای غَسَل پا، مسح پا دارند.

ولذا چون وضوی شان باطل است ، نماز شان هم باطل است ما پشت سر شیعه ها نماز نمی خوانیم. بحث مسح پا، ما قبلاً هم توضیح دادیم از واضح ترین و روشن ترین مسائلی است که اگر کسی به اندازه نیم ساعت مطالعه کند

-نه بیشتر- اصلاً نه کتابهای شیعه بلکه فقط کتابهای اهل سنت را نیم ساعت مطالعه کند و تعصب را کنار بگذارد
یقین و قطع پیدا می کند آن که مشروع است و شارع مقدس تعیین کردن مسح است نه غسل.

ما بارها از این ها سوال کردیم چه پاسخی برای روایت صحیح بخاری دارند که می گوید:

«تَخَلَّفَ عَنَّا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَفَرَةٍ سَافَرْنَاهَا فَأَذْرَكْنَا وَقَدْ أَزْهَقْتْنَا الصَّلَاةَ وَنَحْنُ نَتَوَضَّأُ فَجَعَلْنَا نَمْسُحُ
عَلَى أَرْجُلِنَا»

« الجامع الصحيح المختصر، ج 1، ص 33، حديث 60، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري
الجعفي الوفاة: 256، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د.

مصطفى ديب البغا

وَنَحْنُ

یعنی صحابه، نه یک نفر .

نَمْسُحُ عَلَيَّ أَرْجُلِنَا را از کجا فهمیدند؟ عبدالله ابن سبأ در زمان پیغمبر آمده بود مسح رجلین کرده بود این ها یاد
گرفته بودند؟! یهودی ها مسح رجلین می کردند؟! شیعه ها آمده بودند صحابه را فریب داده بودند؟! ما کاری
نداریم صحیح بخاری است نمی توانیم بگوییم که روایت ضعیف است.

پرسش:

استاد! به توجه به ادامه روایت ما دیگر نمی توانیم به آن استدلال کنیم

چون می گوید :

فَنَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ وَيْلٌ لِلْأَعْقَابِ مِنَ النَّارِ؛

پاسخ:

آیا وِیْلٌ لَمَنْ مَسَحَ ارجله دارد؟

از کجا مسح رجلین را فهمیدند؟ پیغمبر مگر نگفته بود شما غَسَلْ بکنید این را از کجا فهمیده بودند؟ اصلاً بگوییم کارشان صد در صد باطل بوده از کجا فهمیدند که باید مسح رجلین باید داشته باشند؟ این را اول برای ما توضیح بدهید

«ثَبِتَ الْأَمْرَ ثَمَّ النُّقْشِ»

شما که می‌گویید سنت صحابه مثل سنت پیغمبر است

«وَيْلٌ لِلْأَعْقَابِ مِنَ النَّارِ»

بزرگان‌شان ابن قدامه مقدسی، ابن حزم آندلسی و غیره همه‌شان در توجیه این روایت مانده‌اند. ما 10 تا روایت از ابن عباس داریم می‌گوید

«مَا أَجِدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَّا مَسْحَتَيْنِ وَغَسَلَتَيْنِ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج 6، ص 358، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: 241 ، دار

النشر : مؤسسة قرطبة - مصر

ما و شما قرآن را بهتر می‌فهمیم یا ابن عباس بهتر می‌فهمد؟ ما 10 روایت صحیح داریم که رسول الله موقع وضو گرفتن پاهایشان را مسح می‌کرده‌اند، امیر المؤمنین مسح می‌کرده‌اند، عثمان مسح می‌کرده، عکرمه خارجی ناصبی مسح می‌کرده است.

«وَلَا تَتِمُّ صَلَاةُ لِأَحَدٍ حَتَّى يَسْبِغَ الْوُضُوءَ كَمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَيَمْسُحَ بِرَأْسِهِ وَرِجْلَيْهِ إِلَى الْكَعْبَيْنِ»

سنن ابن ماجة، نويسنده: محمد بن يزيد القزوينى، ج 1، ص 156، ح 460، وفات: 273، رده: مصادر حديث سنى - فقه، خطى: خير، تحقيق: تحقيق وترقيم وتعليق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.

صحيح على شرط الشيخين ووافقه الذهبي

«رأيت رسول الله مسح على ظهورهما»

منظور ظهور پاهيشان است.

المسند، ج1، ص47، اسم المؤلف: عبدالله بن الزبير أبو بكر الحميدى، دار النشر: دار الكتب العلمية، مكتبة المتنبي - بيروت، القاهرة، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمى.

اسناده صحيح

«وَمَسَحَ بِرَأْسِهِ وَظَهَرَ قَدَمَيْهِ»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج1، ص224، ح1133، المؤلف: أبو الحسن نور الدين على بن أبى بكر بن سليمان الهيثمى (المتوفى: 807 هـ)، المحقق: حسام الدين القدسى، الناشر: مكتبة القدسى، القاهرة، عام النشر: 1414 هـ، 1994 م

«ويمسح الماء على رجليه... رجاله ثقات»

الإصابة فى تمييز الصحابة، ج 1، ص 370، ح 844، اسم المؤلف: أحمد بن على بن حجر أبو الفضل العسقلانى الشافعى، دار النشر: دار الجيل - بيروت - 1412 - 1992، الطبعة: الأولى، تحقيق: على محمد البجاوى،

يكي دو تا كه نيست بفرماييد وضوى على ابن ابيطالب

«مسح رأسه ورجليه الى الكعبين»

حاكم مي گويد هذا صحيح الإسناد

«مسح على رأسه ورجليه»

مسند أبي داود الطيالسي، ج 1، ص 22، اسم المؤلف: سليمان بن داود أبو داود الفارسي البصري الطيالسي

الوفاة: 204 ، دار النشر : دار المعرفة - بيروت -

رجاله كلهم ثقات؛ اين هم همان صحيح بخارى بود

عثمان

«مَسَحَ بِرَأْسِهِ وَرَجْلَيْهِ ثَلَاثًا ثَلَاثًا»

مسند الإمام أحمد بن حنبل ، ج1، ص67، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: 241 ، دار

النشر : مؤسسة قرطبة - مصر

ابن عباس

«أَبَى النَّاسِ إِلَّا الْعَنْسَلُ وَلَا أَجِدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَّا الْمَسْحَ»

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار ، ج1، ص 27 اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي

الوفاة: 235 ، دار النشر : مكتبة الرشد - الرياض - 1409 ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : كمال يوسف الحوت

«مَا أَجِدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَّا مَسْحَتَيْنِ وَعَسَلَتَيْنِ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج6، ص358، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: 241 ، دار

النشر : مؤسسة قرطبة - مصر

«نزل القرآن بغسلين ومسحين»

«افترض الله غسلتين ومسحتين»

الصراط المستقيم، نویسنده: علی بن یونس العاملی النباطی البیاضی، ج 3، ص 261، (باب فی رد الاعتراضات
علی شیء من شرائع أتباع الإمام علیه السلام)

پرسش:

روایات واضح است آیه قرآن می گوید

(فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ)

سوره مائده (5): آیه 6

که این ارجل را بعضی ها عطف به وجوه کردند

پاسخ:

غلط کردند عطف به وجوه کردند! به چه دلیل؟ فصل بین معطوف و معطوف علیه با جمله کامله قبیح است .

«فصل بین معطوف و معطوف علیه بجملة كاملة قبیح باتفاق جمیع النحاة و صرفین»

در این جا

«إذا اختلف الأمر بین رجوع ضمیر الی ابعده المرجع او اقرب فالاولی الاقرب»

این جا عطف را بگذار اضافه بر این چه کسی گفته و امسحوا برؤوسکم و ارجلکم

چه کسی ارجل گفته نزدیک به چهار تا از قراء و ارجلکم می گویند

پرسش:

عطف در محل می شود بگوئیم

پاسخ:

اصلا عطف بر محلش را هم ما کنار می گذاریم.

ابن حزم می گوید

«وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ سِوَاءَ قُرْأَنٍ بِخَفْضِ اللّٰمِ أَوْ بِفَتْحِهَا فَهِيَ عَلَى كُلِّ حَالٍ عَطْفٌ عَلَى الرَّؤُوسِ»

ابن حزم الأندلسي الظاهري، ابومحمد علي بن أحمد بن سعيد (متوفى 456هـ)، المحلي، ج 2، ص 56، قوبلت

على النسخة التي حققها الأستاذ الشيخ احمد محمد شاكر، ناشر: دار الفكر - بيروت.

ما در چند جا آوردیم که عطف در محل در قرآن بوده اینها بزرگان اهل سنت هستند

«فراءة الارجل بالكسر»

«عدة من القرآء السبعة قرأوا و ارجلكم»

که حمزة ، ابن کثیر، عاصم، ابو عمرو، ابوبکر چهار تا از قراء سبعة و ارجلكم می گویند و ارجلكم نمی گویند ارجل

هم که باشد خودشان می گویند ارجل بخوانیم ارجل بخوانیم عطف بر رؤوس است یا به لفظ رؤوس یا به محل .

یکی از فقهای بزرگ شان می گوید: قرآن به مسح است سنت به مسح است ولی چه کار کنیم بزرگان ما گفته اند

غسل و ما ناگزیر هستیم به خاطر این که به عمل بزرگان مان اقتدا کنیم دست از قرآن و سنت بکشیم!

باید گفت هزاران مرحبا بر این سنی که می گوید ما سنی هستیم ولی به خاطر عمل فقها و بزرگان و مشایخ مان

از سنت و قرآن دست می کشیم!

این فایلی که عزیزان می‌بینند 20 صفحه بیشتر نیست برای این 20 صفحه شاید بالای 3 هزار ساعت ما وقت گذاشتیم یعنی ما مِنْ کتابِ در رابطه با غسل مسح، در رابطه با اهل سنت و شیعه بیش از 6 ماه بحث آیه وضو طول کشید دوستان این را آماده کرده‌اند.

من ندیدم کسی از بزرگان اینگونه بحث مسح را مطرح کرده باشد روایات صحیح را جمع آوری کرده باشد. روایت صحیح در مسح، قرائت چهار نفر از قراء سبعة به مسح، سیره پیغمبر به مسح، سیره صحابه به مسح، اقوال فقهاء به مسح.

البته بحث‌های دیگرمان را هم به صورت 20 صفحه، 20 صفحه تلخیص داریم. مثلاً فایل مسح بالای 300 صفحه بود ما این 300 صفحه را در 20 صفحه آوردیم. پرسش:

استاد! در مورد کیفیت غسل یدین از صحاح هم دلیل هست؟

پاسخ:

اصلاً و ابداً هیچ روایتی ندارند.

(فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ)

سوره مائده (5): آیه 6

همه گفتند الی به معنای مع است الی این‌جا به معنای انتها است این را هم ما مفصل بحث کردیم که الی به معنای مع است چون اگر به معنای مع نگیریم منتها داخل نیست یعنی شستن مرفق دیگر واجب نیست.

اگر ما بخواهیم مرفق را داخل در وضو بکنیم قطعاً باید الی را به معنای مع بگیریم من می‌گویم سرت من قم الی تهران، الی تهران شامل تهران نمی‌شود بلکه تا اول تهران است. سرت من قم الی تهران، یعنی الی اول تهران.

(فَاعْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ)

سوره مائده (5): آیه 6

اگر الی را به معنای «مع» نگیریم اِلَى الْمَرَافِقِ شامل شستنش مرفق نمی‌شود و شستن مرفق واجب نیست.

پرسش:

درباره اینکه گفته‌اند الی به معنای مع است توضیح بدهید.

پاسخ:

«فإن إلى ... و یزید کم قوه الی قوتکم اقوال فقها إلى الموضوع کلام ابن قدامه قال النبی يتوضأ ... فإن إلى

تستعمل بمعنا مع»

فخر رازی می‌گوید:

الاكثرون من اهل اللغة إلى هاهنا بمعنا مع

الرازي الشافعي، فخر الدين محمد بن عمر التميمي (متوفى 604هـ)، التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، ج 8،

ص 55، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1421هـ

إلى هاهنا یعنی کلمه إلى در این جا به معنای مع است رازی، قرطبی، آلوسی، رافعی و شافعی دارند من از

دوستان تقاضا می‌کنم این بخش‌ها را در سایت ولیعصر دنبال بکنند. بحث ضروری است از آن‌هایی است که

باید در ذهن‌مان بسپاریم.

آن‌هایی که یک مقدار خوش حافظه و جوان هم هستند آدرس‌هایش را هم یادداشت کنند در ذهن‌شان

بسپارند.

پرسش:

در صحیح مسلم آمده است که إذا توضأ و غسل یدیه الی المرافق سقطت خطایاه من أنامله؛ «از انگشتانش» ؛
آیا این دلیل نمی‌شود؟

پاسخ:

نه، در هر صورت یکی از اشکالات این‌ها به ما این است که وضوی ما باطل است و لذا ما پشت سر ما نماز نمی‌خوانند.

پرسش:

استاد! به نظر من عمده دلیلی که این‌ها به شیعه اقتدا نمی‌کنند رد الشیخین است ...

پاسخ:

نه، از گذشته تا عصر حاضر می‌گویند چون وضوی شیعه باطل است ما پشت سرشان نماز نمی‌خوانیم اگر قضیه
شیخین را بگیرید که می‌گوید

«من انکر خلافة الشیخین فهو کافر»

پرسش:

دلیل عمده این نیست؟

پاسخ:

نه! اگر کافر باشد این همه از شیعه‌ها زن می‌گیرند دختر می‌گیرند دختر می‌دهند آیا با کفار ازدواج می‌کنند؟!
دختر به کافر می‌دهند؟! ذبیحه شیعه را می‌خورند.

پرسش:

پس در کتاب‌های فقهی‌شان چه کار می‌کنند؟

پاسخ:

ضرب المثل است به شتر گفتند گردنت کج است گفت کجایم راست است؟!

رسول اکرم فرمود :

« إني تارك فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدي »

الترمذي السلمي، ابوعيسي محمد بن عيسي (متوفای 279هـ)، سنن الترمذي، ج5، ص 329، تحقيق: عبد الرحمن محمد عثمان، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت، چاپ دوم، 1403ق.

وقتی که اهل بیت کنار رفتند

«اهل بيتي أمان لامتي من الاختلاف فإذا خالفتها قبيلة من العرب اختلفوا فصاروا حزب إبليس»

الحاكم النيسابوري، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفای 405 هـ)، المستدرک علي الصحيحين، ج3، ص 149، تحقيق: يوسف عبد الرحمن المرعشلي، دار المعرفة، بيروت.

این کاملاً واضح و روشن است من به دوستان توصیه می‌کنم هر روز چندین بار از صمیم دل‌تان با تمام وجودتان خدا را شاکر باشید که با اهل بیت عصمت و طهارت آشنا شدید و محبت این‌ها و متابعت این‌ها را خدا در دل‌تان گذاشته و آن پدران و مادران‌تان را که باعث شدند ما به طرف اهل بیت کشیده شویم دعا کنید.

یعنی خدا می‌داند ما در داخل یک نعمتی هستیم قدرش را نمی‌دانیم مثل ماهی که در داخل آب است قدرش را نمی‌داند خدا می‌داند من بعضی وقت‌ها در مسافرت‌های خارج و یا به عربستان می‌روم با دانشجویها و اساتید و غیره بحث می‌کنم تاریکی‌هایی که این‌ها دارند را می‌بینم.

انسان قدر اهل بیت را می‌داند خدا می‌داند ما با این‌ها وقتی بحث می‌کنیم و حرف می‌زنیم دفاع از اهل بیت یک لذت خاصی برای آدم دارد ولی این‌که اینها با اهل بیت آشنا نیستند دل آدم هم می‌سوزد این بندگان دور افتاده‌اند آن وقت است که آدم قدر اهل بیت را می‌داند و ما آن لحظه‌ای که چشم‌مان به جمال نورانی امیر المؤمنین به هنگام جان دادن می‌افتد و لبخند را در سیمای حضرت امیر می‌بینیم و عنایت حضرت را می‌بینیم تازه می‌فهمیم در چه نعمتی بودیم و خدای عالم چه نعمت بزرگی به ما کرم کرده بود که قدرش را در دنیا ندانستیم.

پرسش:

آیا نام یک عده از فقهای‌شان که گفته باشند وضوی شیعه باطل است به خاطر دارید؟

پاسخ:

همه‌شان دارند، اگر شما اول کتاب‌های وضوی‌شان را ملاحظه کنید، اشاره دارند که وضوی شیعه، باطل است. ابتدای کتاب مغنی ابن قدامه را ببینید مبسوط سرخسی را ببینید مدونة الکبری مالک را ببینید همین کتاب موسوعة جمال عبدالناصر را ببینید همه‌شان وقتی بحث وضوی شیعه را می‌آورند ابتدا می‌گویند الإمامیه یا رافضه که این‌طور وضو می‌گیرند باطل است. یکی دو مورد نیست همه‌شان صراحت دارند که مسح پا آنطور که امامیه انجام می‌دهد، باطل است.

کتاب فقهی مبسوط ما جواهر است کسی از ما سوال کند کتاب فقهی مفصل شیعه چیست؟ ما می‌توانیم جواب بدهیم در 42-43 جلد است کتاب فقهی مفصل مالکی ها، المدونة الكبرى است. کتاب فقهی مفصل حنبلی ها ، المغنی است. کتاب فقهی مفصل شافعی ها، کتاب الأم و کتاب المجموع است. کتاب فقهی مفصل حنفی ها نیز المبسوط است.

البته این کتاب‌های فقهی که من عرض کردم مثل جواهر ما است مثلاً اگر در مبسوط سرخسی بحث می‌کند می‌رود اقوال مالکی‌ها، شافعی‌ها، حنبلی‌ها را می‌آورد بعد با فقه حنفی مقایسه می‌کند آن‌ها را رد می‌کند. مبانی فقه حنفی را اثبات می‌کند ابن قدامه که یک فقیه حنبلی است مبانی فقهی دیگر فقها را می‌آورد بحث می‌کند و بعد حقانیت فقه حنبلی را اثبات می‌کند .

و السلام علیکم و رحمة الله